

Conflict without casualties . . . a note of caution: non-lethal weapons and international humanitarian law

مخاصمه‌ی بدون تلفات ... یادداشتی هشدارآمیز:

سلاح‌های غیرکشنده و حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۱

ایو مسینگهام*^۲

چکیده

در یک دهه‌ی گذشته مبالغی هنگفت در برنامه‌های توسعه‌ی سلاح‌های غیرکشنده صرف شده است، از جمله می‌توان به صرف اینگونه هزینه‌ها توسط ارتش ایالات متحده و سایر اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، و همچنین اعضای کارگروه اروپایی سلاح‌های غیرکشنده اشاره کرد. مقاله‌ی حاضر ضمن اذعان به امکان مفید بودن استفاده از سلاح‌های غیرکشنده در برخی وضعیت‌های خاص در میدان نبرد، نسبت به دیدگاه‌هایی که برای توسعه و تسهیل کاربرد سلاح‌های غیرکشنده، سعی در تضعیف چارچوب‌های حقوق بشردوستانه دارند، هشدار می‌دهد.

کلیدواژه: سلاح‌های غیرکشنده، تفکیک، تناسب، احتیاط

^۱ برگردان به فارسی: ساسان مدرس سیزواری

* ایو مسینگهام به عنوان مسؤول امور حقوق بین‌الملل بشردوستانه با صلیب سرخ استرالیا همکاری می‌کند. وی تحصیلات خود را در زمینه‌ی حقوق، حقوق بین‌الملل و توسعه‌ی بین‌المللی به پایان رسانده است.

^۲ این مقاله در ژوئن ۲۰۱۱ به کنفرانس سالانه‌ی انجمن حقوق بین‌الملل استرالیا و نیوزیلند در کانبرا ارائه شده است. دیدگاه‌های مطرح‌شده در این مقاله، منعکس‌کننده‌ی نظرات نویسنده بوده و لزوماً همسو با نظرات صلیب سرخ استرالیا نیستند. جز در مواردی که تصریح دیگری وجود داشته باشد، آخرین دسترسی به مراجع اینترنتی مورد استفاده در این مقاله، در ژانویه‌ی ۲۰۱۲ بوده است.

یکی از اهداف حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی معاصر این است که افراد خارج کارزار در زمان بروز مخاصمات مسلحانه مورد حمایت و احترام و مراقبت قرار بگیرند. صرف‌نظر از اقدامات برخی اشخاص که همواره با وقاحت نسبت به قانون و ملاحظات انسانی بی‌اعتنا هستند، از طریق آموزش و عمدتاً از طریق [تقویت چارچوب‌های] ضمانت اجرا، پیشرفت‌هایی در تحقق این هدف حاصل شده است. در عین حال باید اذعان نمود که میدان نبردهای مدرن، عرصه‌ی پرچالشی برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده است. یکی از این چالش‌ها، تمایلی فزاینده است که نسبت به توسعه‌ی فن‌آوری سلاح‌های غیرکشنده با کاربری نظامی وجود دارد. فیدلر اشاره می‌کند که «رشد شتابان تحولات فناوری کماکان حقوق بین‌الملل را در بحث توسعه و کاربرد تسلیحات با مشکل مواجه خواهد کرد، اما در مقایسه با دوران سابق که بحث‌ها عمدتاً محدود به اعمال مقررات حقوق بشردوستانه بر ابزارهای طراحی‌شده جهت انهدام و کشتن بود، مشکلات جدید دارای ابعاد سیاسی، پیچیدگی‌های حقوقی و چالش‌های اخلاقی بیشتری خواهد بود».^۳

سلاح‌های غیرکشنده شامل سلاح‌هایی هستند که نه برای کشتن، بلکه برای ناتوان‌سازی طراحی شده‌اند. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) سلاح‌های غیرکشنده را معادل آن دسته از سلاح‌هایی می‌داند که «مشخصاً برای ناتوان‌سازی یا دفع پرسنل طراحی شده و توسعه یافته‌اند، و احتمال کشتن یا ایجاد صدمه‌ی دائمی به واسطه‌ی آن‌ها بسیار پایین است؛ و یا برای از کار انداختن تجهیزات [طراحی شده]، و با حداقل آسیب یا تأثیر جانبی بر محیط زیست همراه هستند».^۴ اکثر تعریف‌های موجود شامل عناصری مشابه بوده و بر قابلیت ناتوان‌سازی به جای نابودسازی تأکید دارند. انواع مختلفی از فناوری تسلیحات غیرکشنده جهت مقابله با پرسنل، مقابله با مواد و تجهیزات یا از کار انداختن قابلیت‌های نظامی وجود دارد. این سلاح‌ها از فن‌آوری‌های مختلفی از قبیل انرژی جنبشی، انرژی صوتی، انرژی هدایت‌شونده، یا ترکیبی از این موارد استفاده می‌کنند. به عنوان مثال سیستم ممانعتی فعال مبتنی بر انرژی هدایت‌شده (Directed Energy Active Denial System) یک موج هدایت‌شده از انرژی را با طول موج ۲ میلی‌متر و فرکانس ۹۵ گیگاهرتز شلیک می‌کند که بدون ایجاد سوختگی، سریعاً پوست انسان را به آستانه‌ی درد می‌رساند.^۵ روش‌های سنتی‌تر شامل آب‌پاش‌های مقابله با شورش بوده، که برخی از مدل‌های آن می‌تواند یک شخص را از فاصله‌ی ۹۰ متری ناکارآمد کند. این پاشنده‌ها را می‌توان برای شلیک رنگ یا گاز اشک‌آور هم استفاده کرد. تجهیزات پرتاب تور نیز، که برای مهار یا کنترل شخص در حال فرار یا شخص مهاجم استفاده می‌شوند، نوع دیگری از سلاح‌های غیرکشنده هستند. این تورها از تجهیزاتی پرتاب می‌شوند که به صورت دستی قابل حمل بوده، و لذا برای استفاده علیه مظنونین که در حال گریز

^۳ David Fidler, 'The meaning of Moscow: "non-lethal" weapons and international law in the early 21st century', in *International Review of the Red Cross*, Vol. 87, No. 859, 2005, p. 552.

^۴ NATO Policy on Non-lethal weapons, available at: <http://www.nato.int/docu/pr/1999/p991013e.htm>.

^۵ 'Vehicle-Mounted Active Denial System (V-MADS)', in *Globalsecurity*, available at: <http://www.globalsecurity.org/military/systems/ground/v-mads.htm>.

باشد، مناسب هستند. همچنین امکان استفاده از این تجهیزات بر روی ماشین‌های زرهی سبک هم وجود دارد.^۶ نوشته‌های مختلفی به چاپ رسیده که در آن‌ها اطلاعات فنی قابل توجه درباره‌ی این تسلیحات ارائه شده است.^۷ این مقاله قصد ندارد که به بحث فنی درباره‌ی این سلاح‌ها بپردازد.

علی‌رغم نام بی‌گزندی که برای این تسلیحات انتخاب شده، در بسیاری از موارد اثر کشنده‌ی آن‌ها قابل ملاحظه بوده است. برای مثال می‌توان به استفاده‌ی نیروهای امنیتی روسیه از یک ماده‌ی شیمیایی «بیهوش‌کننده» جهت شکستن محاصره‌ی سالن تئاتر مسکو از سوی شورشیان چچن در اکتبر ۲۰۰۲ اشاره کرد (که به کشته شدن ۱۳۰ نفر از حدود ۸۳۰ گروگان موجود منتهی شد).^۸ همینطور برخی ناظران درباره‌ی فن‌آوری سلاح‌هایی که اشعه‌ی گرمایی ساطع می‌کنند، اشاره کرده‌اند که کاربرد این سلاح‌ها ممکن است به ایجاد سوختگی‌های درجه دوم و سوم، و حتی به مرگ منجر گردد.^۹ «غیرکشنده یک تعبیر نسبی است ... همه‌ی سلاح‌ها می‌توانند به نحو مستقیم یا غیرمستقیم خطر مرگ یا آسیب دائمی را به همراه داشته باشند.»^{۱۰} البته باید این نکته را هم به یاد داشت که هر سیستم تسلیحاتی ممکن است در معرض سوءاستفاده قرار بگیرد.

این مقاله ابتدا به بررسی چارچوب کلی مقررات حاکم بر استفاده از سلاح‌های غیرکشنده – هم تحت اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم به موجب قواعد خاص مربوط به کاربرد تسلیحات – پرداخته، و سپس به تحولات این چارچوب‌های حقوقی و چالش‌هایی توجه می‌کند که به واسطه‌ی فناوری سلاح‌های غیرکشنده بر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحمیل می‌شود. همچنین راجع به الگوهای حاکم بر عملیات انتظامی هم بحث خواهد شد. مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که ممکن است در برخی موارد گزینه‌ی استفاده از سلاح‌های غیرکشنده برای یک فرماندهی نظامی به لحاظ حقوقی مجاز باشد؛ با این حال، در چنان مواردی هم ممکن است سلاح‌های غیرکشنده مناسب‌ترین گزینه نباشند. نهایتاً این مقاله به بحث درباره‌ی این پرسش خواهد پرداخت که در شرایطی که سلاح‌های غیرکشنده در دسترس بوده و کاربرد آن‌ها هم می‌تواند تحصیل اهداف نظامی را فراهم کند، آیا تکلیفی به استفاده از این سلاح‌ها وجود دارد یا خیر. در تلاش برای

^۶ US Department of Defense Non-Lethal Weapons Program, 'M2 Vehicle Lightweight Arresting Device Net', available at: <http://jnlwp.defense.gov/current/VLAD.html>.

^۷ See further, Nick Lewer and Neil Davison, 'Non-lethal technologies – an overview', in *Disarmament Forum*, Vol. 1, 2005, pp. 37–51; D. Fidler, 'Meaning of Moscow', above note 1, p. 528; US Department of Defence Joint Non-Lethal Weapons Program website, available at: <http://jnlwp.defense.gov/index.html>; Neil Davison, *Non-Lethal Weapons*, Palgrave MacMillan, Basingstoke, 2009. Davison notes that the JNLWP is putting its hope firmly in directed energy weapons for the future. N. Davison, *ibid.*, p. 103.

^۸ See, for example, N. Davison, above note 5, Chapter 1. See also, European Working Group on Non-Lethal Weapons Information Leaflet, above note 39; and D. Fidler, above note 1.

^۹ Ed Cumming, 'The Active Denial System; The weapon that's a hot topic', in *The Telegraph*, 20 July 2010, available at: <http://www.telegraph.co.uk/science/7900117/The-Active-Denial-System-the-weapon-thats-a-hot-topic.html>.

^{۱۰} N. Davidson, above note 5, p. 1.

ایجاد توازن میان ضرورت‌های نظامی و ملاحظات انسانی، هدف این مقاله آن است که در ارتباط با برخی اظهارات که از رهگذر کاربرد سلاح‌های غیرکشنده، به تضعیف اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازد، هشدار دهد.

تعهدات کلی ناظر بر کاربرد تسلیحات به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه

کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، اسناد اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در بر می‌گیرند. این اسناد اشاره‌ی صریحی درباره‌ی مجاز بودن یا ممنوعیت کاربرد انواع خاص تسلیحات در بر ندارند، بلکه از طریق تجویز اصول تفکیک، تناسب و احتیاط، به ابزارها و روش‌هایی دلالت می‌کنند که استفاده از آن‌ها در صحنه‌ی نبرد از نظر حقوقی مجاز است.

اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشکیل می‌دهد. این اصل که در ماده‌ی ۴۸ پروتکل الحاقی اول صریحاً بدان اشاره شده، مقرر می‌دارد:

به منظور تضمین محترم شمردن و حمایت از جمعیت و اشیاء غیرنظامی، طرفین مخاصمه موظف‌اند همواره مابین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان، و همچنین مابین اشیاء غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شوند، و بر این اساس عملیات نظامی خود را صرفاً علیه اهداف نظامی هدایت کنند.

رویه‌ی عمومی این اصل را در قالب بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی عرفی پذیرفته، و آن را در مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال می‌داند.^{۱۱}

اصل تناسب ناظر بر ممنوعیت حملاتی است که به طور ضمنی باعث سلب حیات یا آسیب به غیرنظامیان و اموال آن‌ها گردیده، و این آسیب‌ها و تلفات در قیاس با مزایای نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار، مفرط و بیش از اندازه باشند.^{۱۲} این اصل نیز به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی عرفی قابل اعمال در مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی پذیرفته شده است.^{۱۳} بدین ترتیب علی‌رغم ممنوعیت هدف قرار دادن غیرنظامیان، ورود آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اموال غیرنظامی، لزوماً غیرقانونی محسوب نمی‌شود.

اصل احتیاط بر مراقبت دائم از جمعیت و اشخاص و اشیاء غیرنظامی دلالت دارد. بر این اساس، هر یک از طرف‌های مخاصمه موظف‌اند جهت احراز ماهیت نظامی اهداف خود کلیه‌ی بررسی‌های ممکن انجام دهد، در رابطه با انتخاب ابزارها و روش‌های جنگی تمامی احتیاط‌های ممکن را لحاظ نمایند، و هرگاه معلوم گردد که

^{۱۱} Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law, Vol. 1: Rules*, ICRC and Cambridge University Press, Geneva, 2005 (hereafter 'ICRC Customary Law Study'), Rule 1, p. 3.

^{۱۲} API, Arts 51(5)(b) and 57(2)(a)(iii).

^{۱۳} ICRC Customary Law Study, above note 9, Rule 14.

هدف ماهیت نظامی ندارد و یا حمله منجر به نقض اصل تفکیک یا تناسب یا هردوی این اصول می‌گردد، حمله را متوقف کنند.^{۱۴} همچنین به جز در مواردی که چنین امکانی فراهم نیست، طرفین موظف به صدور هشدار و اعلام خطر [جهت کاهش تلفات غیرنظامی] هستند. در مواردی که راجع به وضعیت یک فرد از حیث غیرنظامی یا رزمنده بودن تردیدی وجود داشته باشد، یا ماهیت، مقصود و کاربردهای یک شیء ظاهراً غیرنظامی معلوم نباشد، باید فرض را بر غیرنظامی بودن افراد و اشیاء مذکور گذاشت.^{۱۵}

پرسنل و اهداف نظامی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هدف قرار دادن پرسنل نظامی و همچنین کالاها، وسایل نقلیه و زیرساخت‌های نظامی را مجاز می‌داند (در ادامه به مجموع این موارد تحت عنوان «اهداف نظامی» اشاره خواهیم کرد). با این حال، ابزارها و روش‌های قابل استفاده برای هدف قرار دادن این موارد نامحدود نبوده، و در قبال تحمیل درد و رنج غیرضروری، و استفاده از روش‌هایی که ممکن است به ایراد آسیب‌های گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط‌زیست منجر شود، ممنوعیت‌هایی وجود دارد.^{۱۶} برخی از تسلیحات غیرکشنده، از قبیل سلاح‌های کورکننده، پیش‌تر از سوی جامعه‌ی بین‌المللی به عنوان سلاح‌هایی که موجب درد و رنج غیرضروری می‌گردند، شناسایی شده‌اند. با این حال اگر یک سلاح خاص به موجب حقوق بین‌الملل ممنوع نشده و در یک وضعیت نظامی مشخص بتواند معیارهای حقوقی مربوطه را تأمین کند - یعنی بتوان آن را منحصراً علیه اهداف نظامی هدایت کرد و تلفات و آسیب‌های وارده به غیرنظامیان نیز نسبت به مزایای نظامی مستقیم و ملموس مورد انتظار، مفرط و نامتناسب نباشد - در این صورت دلیلی وجود ندارد که کاربرد سلاح‌های غیرکشنده را در وضعیت نظامی مورد نظر نامناسب بدانیم.

با این حال، از منظر عملی ملاحظات دیگری هم وجود دارد که فرماندهان نظامی بدون تردید می‌باید هنگام تصمیم به استفاده از سلاح‌های غیرکشنده جهت از کار انداختن ظرفیت اهداف نظامی، به آن‌ها توجه کنند. یکی از این ملاحظات، اقداماتی است که پرسنل نظامی باید برای ناتوان‌سازی [نیروهای دشمن] انجام دهند. بنابر قواعد جنگ، هرگاه شخصی - به واسطه‌ی جراحت، ناتوانی یا تسلیم - از کارزار خارج گردد، برای واحد نظامی مربوطه که آن فرد را در حمایت می‌گیرد، این تعهد به وجود می‌آید که مراقبت و حمایت از وی را تحت هر شرایطی تضمین نماید.^{۱۷} فناوری سلاح‌های غیرکشنده باعث طرح پرسش‌هایی می‌شود، فی‌المثل چگونه می‌توان دریافت که یک نیروی متخاصم که ناتوان شده، شخص خارج از صحنه‌ی نبرد محسوب می‌شود؛

^{۱۴} API, Art. 57; ICRC Customary Law Study, above note 9, Rules 15 to 21, pp. 51-67.

^{۱۵} API, Arts 50 and 52(3).

^{۱۶} Protocol additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflict (Protocol I), 8 June 1977 (hereinafter API), Art. 35.

^{۱۷} Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949 (hereinafter GCI), Art. 12.

و چگونه چنین شخصی می‌تواند قصد خود را مبنی بر تسلیم‌شدن ابراز کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها در مقایسه با موردی که نیروی متخاصم به واسطه‌ی روش‌های متعارف دچار جراحت شده، بسیار دشوار است. برای مثال هنگامی که نیروی متخاصم به واسطه‌ی سلاح‌های [تزریق مواد شیمیایی] خواب‌آور ناتوان می‌شود، شاید امکان تشخیص فوری وضعیت وی وجود نداشته باشد. دشمنی که بدین ترتیب به خواب رفته، شخص خارج از صحنه‌ی نبرد محسوب می‌شود. [اما] دشمنی که به خواب [طبیعی] رفته باشد، یک هدف مشروع نظامی است. نتیجتاً در مواردی که کاربرد سلاح کشنده به موجب مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجاز است، شاید کاربرد سلاح‌های غیرکشنده از دید فرماندهان نظامی لزوماً توجیه‌پذیر نباشد. بنابراین موجود بودن سلاح‌های غیرکشنده، صرفاً تعداد گزینه‌های پیش روی فرمانده نظامی را افزایش می‌دهد [نه آنکه فرماندهان همواره ملزم به استفاده از این سلاح‌ها باشند]. بسته به اقتضای شرایط، سلاح‌های غیرکشنده ممکن است برای خنثی کردن ظرفیت‌های اهداف نظامی دشمن، مناسب و مجاز باشند یا نباشند.

بسیاری از فن‌آوری‌های غیرکشنده که عملکردی متفاوت از تسلیحات متعارف دارند، مشخصاً به نحوی مورد استفاده قرار می‌گیرند که باعث به حداقل رساندن تعداد تلفات غیرضروری در جنگ می‌شود. برای مثال می‌توان به تجهیزات پخش صدای هشدار و اعلام ورود (hailing device) با قابلیت ترجمه اشاره کرد، که به نیروها اجازه می‌دهد تا بتوانند از راه دور با دشمن بالقوه ارتباط برقرار نموده، و در صورتی که مخاطب یا مخاطبان جزء رزمندگان متخاصم نباشند - در تبعیت از الزامات اصل تفکیک - تلاش کنند تا از کاربرد زور علیه آنان خودداری نمایند.^{۱۸} در عین حال، با آن که تجهیزات پخش هشدار صوتی و سایر تجهیزات مشابه (منظور تجهیزات غیرکشنده‌ای است که ضمن انتشار صدا با شدت بالا، به نحوی که در نبود تجهیزات حفاظتی برای انسان غیرقابل تحمل بوده و ممکن است به از بین رفتن قوای شنوایی منجر شود)، قابلیت زمین‌گیر کردن نیروی دشمن را دارند و ممکن است از دید یک فرماندهی نظامی مشمول تعریف «سلاح» قرار بگیرند، اما این تجهیزات با ارزش در مقایسه با فناوری‌های غیرکشنده‌ی دیگر که برای استفاده در صحنه‌ی نبرد توسعه یافته‌اند، نسبتاً کم‌خطر و بی‌ضرر محسوب می‌شوند. از میان فن‌آوری‌های اخیرالذکر، می‌توان به سلاح‌هایی اشاره کرد که ظاهراً در متفرق کردن تجمع‌ها کاربرد دارند، و بنابراین کاربردشان در صحنه‌ی جنگ محدود است. تنها کاربردی که برای این سلاح‌ها می‌توان تصور کرد، کنترل تجمعات است. فی‌الواقع چنین ملاحظاتی راجع به سیستم ممانعتی فعال مطرح بود، سیستمی که از سوی وزارت دفاع ایالات متحده به افغانستان ارسال شد و سپس بدون آن که هرگز مورد استفاده قرار بگیرد، جمع‌آوری و مرجوع گردید (دلایل جمع‌آوری این سیستم اعلام نشده است).^{۱۹}

^{۱۸} Cpl Jahn R. Kuiper, 'Non-lethal weapon developments translates to safe civilians, Marines', in *Marine Corps Base Quantico*, available at: <http://www.quantico.usmc.mil/Sentry/StoryView.aspx?SID=5380>.

^{۱۹} E. Cumming, above note 7.

غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی

اصل تفکیک اقتضا دارد که عملیات نظامی در هر شرایطی صرفاً علیه اهداف نظامی هدایت شود. هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل و رویه‌ی دولت‌ها وجود ندارد که از آن بتوان نتیجه گرفت که در شرایط مخاصمه‌ی مسلحانه (شرایط برخوردهای انتظامی در ادامه مورد بررسی و مقایسه قرار خواهد گرفت) ممنوعیت هدایت حملات علیه غیرنظامیان صرفاً به حملات کشنده محدود می‌شود. در واقع مقررات پروتکل اول، و به میزان محدودتر پروتکل دوم، به روشنی بیان می‌دارند که هرگونه ایراد آسیب به جمعیت غیرنظامی که به هیچ وجه بر اساس ضرورت نظامی قابل توجیه نباشد، ممنوع است.^{۲۰} لذا مشخص است که ماهیت غیرکشنده‌ی یک سلاح تأثیری در مجاز بودن استفاده از آن در حمله‌ی مستقیم به غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی ندارد، چرا که حقوق بین‌الملل بشردوستانه حمله به افراد و اشیاء غیرنظامی را با هر نوع سلاحی ممنوع می‌داند.

در عین حال همانگونه که فوقاً اشاره شد، اصل تناسب مشعر بر ممنوعیت حمله‌ای است که به طور ضمنی می‌تواند منجر به سلب حیات یا صدمه به غیرنظامیان یا خسارت به اموال غیرنظامیان گردد، و این آسیب‌ها نسبت به مزایای نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار، مفرط و بیش از اندازه باشند. بر این اساس علی‌رغم آن که هدف قرار دادن غیرنظامیان ممنوع است، ایراد صدمه به غیرنظامیان یا خسارت به اشیاء غیرنظامی، لزوماً همواره غیرمجاز نیست. در حقیقت اقدامات اثرگذار بر جمعیت یا اشیاء غیرنظامی، هنگامی که آثار وارده فراتر از مزایای نظامی مستقیم و ملموس قابل انتظار نباشند، اقداماتی مجاز تلقی می‌شوند. بیشتر فرماندهان نظامی – چه بنا به ملاحظات انسانی، تخصص‌گرایی، اقتصاد فعالیت‌ها و منابع، و چه برای محبوب شدن نزد قلوب و افکار مردم – تلاش می‌کنند تا صرفاً [نیروی نظامی] دشمن را از کار بیاندازند، و در اقدامات خود حداقل خسارت ممکن را به جمعیت غیرنظامی وارد نمایند. به آسانی ملاحظه می‌شود که غیرکشنده بودن این سلاح‌ها (که ممکن است آثار ناشی از آن‌ها را کم‌اهمیت جلوه دهد)، می‌تواند معادله‌ی تناسب را در ذهن فرماندهان تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را به انجام حملات [تأثیرگذار بر غیرنظامیان] متمایل کند. همانگونه که مایر اشاره کرده، این اتفاق به ویژه مربوط به مواردی است که «کاربرد سلاح‌های غیرکشنده علیه غیررزمندگان، بعضاً در عمل باعث نجات جان غیررزمندگان می‌شود».^{۲۱} این در حالی است که رهیافت فوق، عناصر ناشناخته‌ی مرتبط با کاربرد سلاح‌های غیرکشنده را در نظر نمی‌گیرد. این عناصر ناشناخته فی‌المثل عبارت‌اند از امکان کشنده بودن سلاح برای یک فرد یا یک گروه خاص، یا تأثیرات بلندمدت سلاح بر سلامتی اشخاصی که هدف قرار گرفته‌اند.

^{۲۰} See, for example, API, Part IV, Section I; Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977 (hereafter APII), part IV.

^{۲۱} Chris Mayer, 'Nonlethal weapons and non-combatant immunity: is it permissible to target non-combatants?', in *Journal of Military Ethics*, Vol. 6, No. 3, 2007, pp. 221.

لذا به واقع این امکان وجود دارد که وجود سلاح‌های غیرکشنده به عنوان یک گزینه‌ی در دسترس فرماندهان، باعث تضعیف ممنوعیت هدف قراردادن غیرنظامیان گردد. این مسأله به ویژه در میدان‌های نبردی بروز می‌کند که بازیگران غیردولتی، شبه‌نظامیان، «تروریست‌ها»، و شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی، با محو کردن مرز مشخصه‌ی میان غیرنظامیان و رزمندگان، اجرای اصل بنیادین تفکیک را نیز به مخاطره می‌اندازند. امتیازاتی که برای رزمندگان در نظر گرفته شده - یعنی حق کشتن [رزمندگان دشمن] و تکالیف متناظر آن، در کنار تکلیف به محترم شمردن و حمایت از اشخاص خارج از کارزار - نقشی محوری در اثربخشی حقوق بین‌الملل بشردوستانه دارد. در بحبوحه‌ی نبرد که تمایز رزمندگان از غیررزمندگان، تشخیص تهدیدها، و تعیین این که یک فرد غیرنظامی به سبب «مشارکت مستقیم در مخاصمه» از شمول چارچوب‌های حمایتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه خارج شده،^{۲۲} به نحوی فزاینده دشوار و دشوارتر می‌گردد، می‌توان این وسوسه را در [در فرماندهان و سربازان] ملاحظه کرد که شخص مظنون را ابتدا ناکارا و ناتوان ساخته، و تحقیق درباره‌ی وضعیت وی را به زمانی دیگر موکول کنند؛ حال آن که در استفاده از سلاح‌های سنتی و کشنده، آتش گشودن به روی شخص مظنون احتمالاً فرصت بازجویی از وی را در آینده نیز از بین خواهد برد.

در عین حال، با این که از میان رفتن تفکیک‌های سنتی چالش‌های نوینی ایجاد می‌کند، اما این اصل بنیادین همچنان برقرار است که نباید فرض را بر رزمنده بودن اشخاص گذاشت - یعنی اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل بشردوستانه (که به موجب آن علی‌الاصول «هرگاه تردیدی وجود داشته باشد، باید از شلیک یا حمله خودداری کرد»). مطالعه و اقدام در این حوزه باید معطوف به تقویت حمایت از غیرنظامیان در هنگام مخاصمه باشد، نه آن که [چارچوب‌های حمایتی موجود را] از بین ببرد. این یک مسأله‌ی حائز اهمیت بین‌المللی بوده، و جنبش بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در تحقق آن نقش محوری خواهند داشت.

معاهدات مربوط به تسلیحات

بعضی از فناوری‌های تسلیحات غیرکشنده، در پرتو معاهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سایر چارچوب‌های حقوقی موجود، مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به ممنوعیت‌های مقرر در «کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آن‌ها» (BWC)^{۲۳} و «کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها» (CWC)^{۲۴} اشاره کرد. کنوانسیون اخیرالذکر

^{۲۲} GCs, Art. 3 common; API, Art. 51(3); ICRC Customary Law Study, above note 9, Rule 6; Nils Melzer, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law*, ICRC, Geneva, 2009.

^{۲۳} Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on their Destruction, better known as the Biological Weapons Convention (BWC), opened for signature on 10 April 1972.

^{۲۴} Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction (CWC), opened for signature on 13 January 1993.

هرگونه ماده‌ی شیمیایی را که به واسطه‌ی تأثیر شیمیایی بر فرایندهای حیاتی، باعث مرگ، ناتوان‌سازی موقت، یا آسیب دائمی بر انسان یا حیوانات می‌گردد، ممنوع می‌دارد. همچنین در پروتکل‌های الحاقی به «کنوانسیون منع یا محدودیت کاربرد سلاح‌های متعارف خاص که می‌توانند درد و رنج بیش از حد یا آثار غیرقابل تفکیک ایجاد کنند»^{۲۵}، به برخی از فناوری‌های تسلیحاتی غیرکشنده از قبیل ترکش‌های غیرقابل ردیابی، مین‌ها و تله‌های انفجاری و سلاح‌های لیزری کورکننده اشاره شده است.

تکلیف به بررسی و نظارت طبق ماده‌ی ۳۶ پروتکل الحاقی اول

اگرچه قواعد مربوط به تکنولوژی‌های خاص تسلیحاتی به سایر اسناد موکول شده، اما نیاز به تطبیق تکنولوژی‌های نوظهور با قواعد حقوقی، به وضوح مورد توجه تدوین‌کنندگان پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ بوده است. ماده‌ی ۳۶ پروتکل الحاقی اول مقرر می‌دارد که در توسعه‌ی تسلیحات، ابزارها و روش‌های جدید جنگی، طرف‌های معظم متعهد مکلف به بررسی این موارد جهت احراز انطباق آن‌ها بر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. ایده‌ی اولیه این بود که برای تسهیل اجرای مقررات ماده‌ی ۳۶، کمیته‌ای از دولت‌های عضو تشکیل شود و مجاز بودن کاربرد سلاح‌های جدید را بررسی نماید. اما این پیشنهاد نتوانست موافقت اکثریت دو سوم اعضا را کسب کند و لذا به مرحله‌ی اجرایی نرسید.^{۲۶}

در طول سال‌های بعد، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ تلاش نمود تا دولت‌ها را نسبت به پذیرش سازوکارهای رسمی برای اجرای ماده‌ی ۳۶ ترغیب کند. در اسناد بیست‌وهفتمین و بیست‌وهشتمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۳ «از دولت‌ها دعوت شده که سازوکارها و آیین‌هایی برای احراز انطباق تسلیحات بر مقررات حقوق بین‌الملل ایجاد کنند».^{۲۷} سندی هم در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان *راهنمای بررسی حقوقی تسلیحات، ابزارها و روش‌های جدید جنگی* با هدف کمک به دولت‌ها جهت تأسیس سازوکارهای نظارتی لازم، تهیه شده است.^{۲۸}

لا‌واند اشاره نموده که:

^{۲۵} See Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons which may be deemed to be Excessively Injurious or to have Indiscriminate Effects (with Protocols I, II and III), opened for signature on 10 October 1980.

^{۲۶} Yves Sandoz, Christophe Swinarski and Bruno Zimmermann (eds), *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*, Martinus Nijhoff, Geneva, 1987, pp. 422–423.

^{۲۷} Kathleen Lawand, 'Reviewing the legality of new weapons, mean and methods of warfare', in *International Review of the Red Cross*, Vol. 88, No. 864, December 2006, p. 926.

^{۲۸} ICRC, *A Guide to the Legal Review of New Weapons, Means and Methods of Warfare*, January 2006, available at: http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/icrc_002_0902.pdf

تکلیف به بررسی مجاز بودن سلاح‌های جدید، حداقل به دو امر مختلف دلالت دارد. نخست آنکه هر دولتی باید آیین‌های مستمر و جاری برای این منظور تهیه کند، به بیان دیگر باید یک سازوکار دائمی وجود داشته باشد، که هرگاه دولت تصمیم به توسعه یا تهیه سلاح جدیدی گرفت، [سازوکار نظارتی مذکور] به طور خودکار به جریان بیفتد. دوم، برای مقامی که مسئولیت توسعه یا تهیه تسلیحات جدید را به عهده دارد، این آیین‌ها باید به موجب قانون یا به موجب دستورالعمل اجرایی، جنبه‌ی الزامی داشته باشد. به جز این الزامات آیینی و حداقلی، تصمیم‌گیری راجع به نحوه‌ی عملکرد سازوکار نظارتی به عهده‌ی خود دولت‌ها است.^{۲۹}

بدون شک در تدوین ماده‌ی ۳۶، سلاح‌هایی مد نظر بوده که قابلیت کشتن و تخریب فزاینده خواهند داشت. اما هیچ قرینه‌ای دال بر این امر که سلاح‌های غیرکشنده در شمول این قاعده نباشند، وجود ندارد. با این حال باید پذیرفت که تا امروز این شیوه چندان مؤثر نبوده، چرا که صرفاً تعدادی اندک از دولت‌ها چنان آیین‌ها و سازوکارهایی ایجاد کرده‌اند.^{۳۰} کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان بخشی از دستور کار خود در مقام پاسدار حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تلاش دارد تا به دولت‌ها در این فرایند کمک کند.

تحول در چارچوب‌های حقوقی

فیدلر در تحقیقی که در سال ۲۰۰۱ انجام داد، اشاره کرد که در آینده ارتباط میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سلاح‌های غیرکشنده، یکی از این سه مسیر را پیش رو خواهد داشت: «تغییرات بنیادی»، «اصلاحات گزینشی»، یا «دورنمای قانون‌مداری».^{۳۱} تغییرات بنیادی شامل برخی تحولات انقلابی است،^{۳۲} و به طور ضمنی تفکیک میان حق بر جنگ و حقوق جنگ را به چالش می‌کشد؛ تفکیکی که برای کارایی حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی مدرن، اهمیتی اساسی دارد. این نظریه مشتمل بر این مفهوم است که دسترسی به سلاح‌های غیرکشنده، می‌تواند شرایط توسل به زور در حقوق بین‌الملل را توسعه دهد. فیدلر به عنوان مثال اشاره می‌کند که این نظریه می‌تواند بر امکان کاربرد سلاح‌های غیرکشنده در مداخلات بشردوستانه و دفاع مشروع پیش‌گیرانه دلالت کند، و چنان وضعیت‌هایی را در منظر کسانی که مخالف اینگونه اقدامات هستند، قابل پذیرش جلوه دهد. این انحرافی بسیار خطرناک به نظر می‌رسد. اتخاذ رهیافت مذکور منفعت چندان‌ی در بر نخواهد داشت. ممنوعیت توسل به زور در حقوق بین‌الملل، مقبولیت و پذیرش بالایی در سطح بین‌المللی دارد و علی‌رغم نقایصی که داشته، برای بشریت بسیار سودمند بوده است. اختلاط میان حق بر جنگ و حقوق جنگ به شرح فوق، می‌تواند به فرسایش و تحلیل مقررات حاکم بر زمان جنگ منجر شود؛ امری که تنها به زیان بشریت خواهد بود.

^{۲۹} K. Lawand, above note 25, p. 927.

^{۳۰} ICRC, *A Guide*, above note 26, p. 5.

^{۳۱} David Fidler, 'Non-lethal weapons and international law: three perspectives on the future', in *Medicine, Conflict and Survival*, Vol. 17, No. 3, 2001, pp. 194–206.

^{۳۲} *Ibid.*, p. 195.

در مقابل، «دیدگاه مبتنی بر اصلاحات گزینشی، به تغییراتی ضروری در حقوق بین‌الملل جهت مجاز بودن کاربرد سلاح‌های غیرکشنده به اقتضای دلایل نظامی و بشردوستانه اشاره دارد».^{۳۳} دیدگاه فوق ریشه در این ایده دارد که مقصود قواعد حقوق [بین‌الملل بشردوستانه] هرگز این نبوده که وقتی گزینه‌ی غیرکشنده‌ای وجود دارد، افراد الزاماً کشته شوند.^{۳۴} نهایتاً رهیافت فیدلر تحت عنوان «دیدگاه قانون‌مداری»، مشعر بر این است که هر اختلافی میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و توسعه‌ی سلاح‌های غیرکشنده، می‌بایست به نفع حقوق بین‌الملل بشردوستانه حل و فصل شود.^{۳۵}

روشن است که «دیدگاه قانون‌مداری» مورد نظر فیدلر، منعکس‌کننده‌ی وقایعی بوده که در طول یک دهه پس از انتشار تحقیقات وی رخ داده است. در حقیقت می‌توان با واقع‌بینی ملاحظه کرد که فراخوانی سیستم ممانعتی فعال [از افغانستان]، حاکی از اذعان به این نکته است که چنین فن‌آوری‌هایی مناسب صحنه‌های مخاصمات مدرن نیستند، چرا که تنها کاربرد مفید بالقوه برای این سلاح، متفرق کردن تجمع غیرنظامیان است. عموماً چنین اقدامی را نمی‌توان جزء اقدامات مجاز در صحنه‌ی نبرد دانست؛ چرا که رزمندگان حق ندارند حملات خود را - چه کشنده و چه غیرکشنده - علیه غیرنظامیانی هدایت کنند که مشارکتی مستقیم در مخاصمات ندارند.^{۳۶}

الگوهای انتظامی و اجرای مقررات حقوقی

این نکته شایان ذکر است که در بحث الگوی حاکم بر عملیات پلیسی و اجرای قوانین یا احکام حقوقی، از حیث کاربرد سلاح‌های غیرکشنده، چالش‌هایی متفاوت با [چالش‌های پیش روی] عملیات نظامی مطرح است. بررسی سوابق کاربرد تجهیزات شوک الکتریکی و پاشنده‌های التورزین کاپسیکوم (که عموماً به نام اسپری فلغل شناخته می‌شود) نشان می‌دهد که این تجهیزات غالباً در وضعیت‌هایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، که پیش‌تر هرگز در آن‌ها سلاح‌های کشنده مورد استفاده قرار نمی‌گرفت.^{۳۷} اما با این که در جریان عملیات پلیسی، استفاده از ابزارهای غیرکشنده علیه شهروندان می‌تواند مجاز و مناسب باشد، اما در وضعیت درگیری نظامی چنین نیست. به عنوان شهروندان کشورهایی با پارلمان‌های منتخب و دموکراتیک، بسیاری از مردم جوامع جهان عملاً نسبت به اختیار پلیس جهت کاربرد زور علیه شهروندان به منظور تأمین نظم و قانون رضایت دارند. لذا مشروط به آن که اقدامات مذکور ناقض حقوق بشر یا سایر قوانین قابل اعمال نباشند، توسل به این اقدامات در بسیاری از شرایط مجاز است.

^{۳۳} Ibid., p. 199.

^{۳۴} Ibid., p. 200.

^{۳۵} Ibid., pp. 198-199.

^{۳۶} Although arguably may be permissible, in some circumstances, under the law of occupation.

^{۳۷} Stephen Coleman, 'Discrimination and non-lethal weapons: issues for the future military', in David Lovell (ed.), *Protecting Civilians during Violent Conflict*, Ashgate, Farnham, 2012, p. 227.

در مقابل، مشخص است که به عنوان شهروندان جهان، ما هرگز نسبت به کاربرد زور در جریان اقدامات نظامی، علیه غیرنظامیانی که مشارکتی مستقیم در محاصره ندارند، ابراز رضایت نکرده‌ایم؛ این واقعیت را به بهترین نحو می‌توان در مقررات مربوط به ممنوعیت هدف قرار دادن غیرنظامیان مشاهده کرد که در قالب کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی اول به تصویب عموم دولت‌ها رسیده است. با این حال، در مواقعی که نظامیان در عمل مشغول ایفای وظایف نیروهای پلیس هستند (کما این که غالباً چنین است، به ویژه در عملیات حفظ صلح)، قائل شدن به تمایز [بین عملیات نظامی و انتظامی] ممکن است دشوار باشد. نیروهای بین‌المللی اعزام‌شده به تیمور شرقی (INTERFET) تحت فرماندهی استرالیا، که به موجب قطعنامه‌ی ۱۲۶۴ شورای امنیت (مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۹) مجاز به «اتخاذ کلیه اقدامات لازم جهت اعاده‌ی امنیت در مناطق بحران‌زده‌ی تیمور شرقی» بودند، به مدت چند سال بازداشتگاهی را در دیلی (Dili) اداره می‌کردند - که اکثر محبوسین آن نه به واسطه‌ی اقدامات مربوط به محاصره، بلکه به واسطه‌ی اخلال امنیت در خیابان‌های دالی بازداشت شده بودند. در عین حال این قطعنامه‌ی شورای امنیت که اجازه‌ی عملیات امنیتی را صادر می‌کند، با اقدامات نظامی سنتی که در آن‌ها تعرض نظامیان به اشخاص فاقد مشارکت در درگیری‌ها ممنوع است، تفاوت زیادی دارد. لذا مشخص است که در برخی شرایط پرسنل نظامی موظف به انجام اموری می‌شوند که در آن‌ها کاربردهای عملی برای سلاح‌های غیرکشنده متصور است.

شرایطی که سلاح‌های غیرکشنده گزینه‌ی مناسبی برای فرماندهان نظامی هستند

منظور از ملاحظات فوق این نیست که سلاح‌های کشنده هیچ جایگاهی در محاصرات مسلحانه ندارند. فی‌الواقع سلاح‌های غیرکشنده به طور بالقوه می‌توانند گزینه‌ی تسلیحاتی خوبی برای فرماندهان بوده و مناسب کاربرد در وضعیت‌هایی باشند که گمان می‌رود حمله‌ی نظامی مجاز، باعث ایراد صدمه به غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی شود؛ منظور [از حمله‌ی نظامی مجاز] حمله به اهداف نظامی است که تلفات یا صدمه به غیرنظامیان و یا خسارت به اشیاء غیرنظامی را به همراه دارد، و این آسیب‌ها در مقایسه با مزیت‌های نظامی ملموس و مستقیم قابل انتظار، مفرط و بیش از اندازه نباشد.^{۳۸} شاید بهترین نمونه برای این مورد، وضعیتی است که در آن از سپر انسانی استفاده شده است. گرچه حمله‌ی مستقیم به غیرنظامیان طبق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است، اما اگر غیرنظامیان یک هدف مشروع نظامی را - به عمد یا غیرعمد - محافظت یا احاطه کرده باشند، در وضعیتی که حمله بر اساس اصل تناسب مجاز باشد، کشتن یا صدمه رساندن به آنان مجاز تلقی می‌شود؛ مشروط بر آن که اقدامات احتیاطی کافی رعایت شده باشند. اینگونه شرایط که در آن‌ها امکان استفاده از فن‌آوری‌های غیرکشنده با اثر دفعی لازم جهت جابجایی یا ناکارآمد کردن سپر انسانی وجود دارد، نشان می‌دهد که کاربرد سلاح‌های غیرکشنده می‌تواند مناسب باشد.

^{۳۸} See API, Art. 57(2)(b).

تکلیف به استفاده [از سلاح‌های غیرکشنده]

مسأله‌ی دیگر که در ارتباط با سلاح‌های غیرکشنده طرح شده، این است که اگر سلاح‌های غیرکشنده در دسترس بوده و انتظار برود که اهداف نظامی مورد نظر را نیز تأمین کنند، آیا در این شرایط تکلیفی به استفاده از این سلاح‌ها وجود دارد. فیدلر اشاره نموده که ناتو با قاطعیت وجود چنین تکلیفی را رد می‌کند. «وجود، در دسترس بودن، یا آثار بالقوه‌ی سلاح‌های غیرکشنده، تکلیفی جهت استفاده از این سلاح‌ها یا رعایت استانداردهای بالاتر یا محدودیت‌های بیشتر در کاربرد سلاح‌های کشنده ایجاد نمی‌کند».^{۳۹} این دیدگاه مسلماً عمومیت ندارد. گِیْلَف معتقد است که وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه «بعید است ادامه پیدا کند»، و پیش‌بینی کرده که آستانه‌ی کاربرد سلاح‌های کشنده در آینده بالاتر خواهد رفت.^{۴۰} کارگروه اروپایی در جزوه‌ی اطلاعات درباره‌ی سلاح‌های غیرکشنده، اظهار نموده که «وقتی کاربرد سلاح‌های غیرکشنده ایمن بوده و می‌تواند به نجات جان افراد انسانی منجر شود»، باید از این سلاح‌ها استفاده کرد.^{۴۱} این که گزاره‌ی اخیر با آوردن قیدی نظیر «مشروط به مجاز بودن حمله طبق سایر مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه» محدود نشده، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأمل‌برانگیز است.

دستیابی به نقطه‌ی تعادل

به نظر می‌رسد توافقی درباره‌ی ناگزیر بودن توسعه‌ی تکنولوژی و رشد کاربرد سلاح‌های غیرکشنده وجود دارد. سرلشکر پیتر کیارلی (Peter Chiarelli) از ارتش ایالات متحده می‌نویسد:

در خصوص سلاح‌های کشنده ما وضعیت خوبی داریم؛ اما در [عملیات] ضدشورش، [تسلیمات دارای] آثار غیرکشنده نیز به همان اندازه مهم هستند ... سلاح‌های غیرکشنده برای پیروزی در جنگ عراق، واجد اهمیت حیاتی هستند. لذا اگر واقعاً به دنبال مقابله‌ی جدی با شورش‌ها باشیم، باید تغییری در فرهنگمان ایجاد کنیم و بپذیریم که سلاح‌های غیرکشنده حائز اهمیت و بعضاً دارای اولویت هستند.^{۴۲}

ناگزیر بودن توسعه و رشد دسترسی به این سلاح‌ها لزوماً پدیده‌ی بدی نیست، اما این توسعه باید در مقابله با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه به توازن برسد. کنوانسیون‌های ژنو توسط تمامی ملل جهان مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این اسناد به رغم نقایصی که دارند، شامل برخی مقررات بسیار اساسی برای حفظ انسانیت در زمان درگیری‌های مسلحانه هستند. نباید به واسطه‌ی هراس از تضعیف چارچوب‌های حمایتی موجود، آن

^{۳۹} D. Fidler, above note 1, p. 532, note 29.

^{۴۰} Ibid., p. 532, note 29; N. Lewer and N. Davidson, above note 5, p. 27, note 11.

^{۴۱} European Working Group Non-Lethal Weapons Information Leaflet, April 2010, available at: <http://waves.lima-city.de/pdf/leaflet.pdf>.

^{۴۲} Massimo Annati, 'Non-lethal weapons revisited', in *Military Technology*, March 2007, p. 82.

مقررات اساسی را به انحراف کشاند. شروع به بحث دوباره راجع به قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه، نه تنها پیشرفتی در این زمینه ایجاد نمی‌کند، بلکه گامی به عقب محسوب می‌شود.

علاوه بر این شایسته‌ی توجه است که هرچند ما امروز با برخی چالش‌ها مواجه هستیم، اما «سازگاری قابل توجهی بین اصول اخلاقی باقیمانده از اعصار دیرین با قواعد مدرن حقوق بین‌الملل وجود دارد.»^{۴۳} از آنجا که این اصول اکنون تبدیل به قواعد حقوقی شده و از آزمون زمان سربلند بیرون آمده‌اند، این واقعیت قابل تأیید است که در آینده نیز به حیات خود ادامه خواهند داد. چنان که مایر می‌نویسد، رهیافت سنتی شاید بهترین رهیافت ممکن باشد:

هنگامی که استفاده از سلاح‌های کشنده آسیب بیشتری به غیررزمندگان وارد می‌کند، الزام سربازان به استفاده از این سلاح‌ها، ناقض [اصل منع حمله به غیررزمندگان] به نظر می‌رسد. اما هنگامی که مراقبت کافی برای به حداقل رساندن تلفات غیررزمندگان به عمل آمده باشد ... حمله‌ی مستقیم به رزمندگان با سلاح کشنده (که امکان هدف‌گیری دقیق را داشته باشد)، اقدامی است که بیشترین مطابقت را با [اصل منع حمله به غیررزمندگان] دارد.^{۴۴}

نتیجه‌گیری

از سرهنگ جرج فنتون (George Fenton)، رئیس اداره‌ی سلاح‌های غیرکشنده در وزارت دفاع ایالات متحده، نقل می‌شود که اظهار نموده به دنبال یک گرد جادویی است که بتواند همه را، اعم از رزمنده و غیررزمنده، به خواب فرو ببرد.^{۴۵} رویکرد وی با عنایت به تمایل طبیعی انسان‌ها به برافروختن جنگ علیه یکدیگر، شاید بهترین راه برای به حداقل رساندن آسیب‌های جنگ باشد. مشخص است که ما نسبت به آنچه دونان در سال ۱۸۶۲ ملاحظه کرد، پیشرفت اندکی داشته‌ایم: «در دورانی که مکرراً سخنانی راجع به پیشرفت و تمدن می‌شنویم، با توجه به این که نمی‌توان همواره از جنگ اجتناب نمود، باید تلاش نمود تا از صحنه‌های هراس‌انگیز جنگ پرهیز نموده، و یا حداقل این هراس‌ها را کاهش دهیم.»^{۴۶} در پرتو این واقعیت، ضرورت دارد که از تضعیف قواعد پیشنهادی دونان (که در طول ۱۵۰ سال گذشته برای بشریت سودمند بوده) جلوگیری کنیم؛ قواعدی که بر ممنوعیت کاربرد هرگونه تسلیحات، اعم از کشنده و غیرکشنده، برای هدف قرار دادن غیررزمندگان دلالت دارد. حتی اگر تصور شود که می‌توان توجیهی بر مبنای «خیر عالی» اخلاقی در این خصوص پیدا کرد، باز هم ضرورت فوق [مبنی بر جلوگیری از تضعیف قواعد] پابرجا است. اینگونه توجیهات به شدت در معرض سوء استفاده هستند.

^{۴۳} D. Fidler, above note 29, p. 195.

^{۴۴} C. Mayer, above note 19, p. 227.

^{۴۵} Cited in D. Fidler, above note 29, p. 204.

^{۴۶} Henry Dunant, A Memory of Solferino, ICRC, Geneva, 1862.

کارگروه اروپایی فعال در زمینه‌ی سلاح‌های غیرکشنده معتقد است:

توسعه‌ی فناوری‌های غیرکشنده‌ی نوین به نیروهای نظامی و انتظامی اجازه می‌دهد که از ابزارهایی متفاوت برای مقابله با تهدیدهای بالقوه خطرناک استفاده کنند، و به واسطه‌ی [در اختیار گذاشتن] گزینه‌های جدید که جایگزینی قابل قبول برای سلاح‌های کشنده محسوب می‌شوند، قابلیت این نیروها را افزایش می‌دهد.^{۴۷}

این نکته درست است. سلاح‌های غیرکشنده را می‌توان در میدان نبرد، برای تحقق منافع بشریت به کار برد؛ مشروط به آن که در بحث کاربرد زور – اعم از کشنده و غیرکشنده – در جریان مخاصمات مسلحانه، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه همچنان واجد اهمیت محوری باشند.

^{۴۷} European Working Group, above note 39.